

سعید آقاخانی چطور #171؛ نونخ #187؛ را محبوب نگه می‌دارد؟



شناسه خبر: ۱۴۰۹۰۳ یکشنبه ۲۶ فروردین ۱۴۰۳ - ۱۶:۲۸

تلویزیون در دنباله‌سازی همواره در ورطه تکرار و کلیشه، گرفتار چالش‌ها و مشکلاتی شده است. اما در این میان «زیرخاکی»، «نونخ» و «پایتخت» به غیر از فصل ششم توانستند یک دنباله محبوب باشند.

به گزارش خبرنگار فرهنگی موج خبر، چند قسمتی از فصل پنجم سریال «نونخ» می‌گذرد. اتفاق جالب توجه در جریان ساخت این سریال و فصل جدید «زیرخاکی» که از ابتدای ماه رمضان روی آنتن رفت، با تکیه بر فیلمنامه قوی، ایجاد موقعیت‌های بکر و بدیع از ورطه تکرار و کلیشه فرار کردند.

سعید آقاخانی عامل اصلی محبوبیت «نونخ»

اتفاقی که بعضاً برای برخی از چند فصله‌های تلویزیون افتاد و برخی هم که از محور داستانی و بن‌مایه اصلی خودشان خارج شدند. البته شاید تداوم محبوبیت «نون‌خ» به تجربه ساخت سریال و بازی در مجموعه‌های تلویزیونی و رمضانی و اصطلاحاً شناخت درست طنز و کمدی سعید آفاخانی برگردد.

در روزهایی که تلویزیون از فقدان طنز رنج می‌برد، در ایام نوروز و رمضان کار با «زیرخاکی» جدید شروع شد و این شب‌ها مخاطبان از داستان‌های جدید نورالدین خانزاده این بار در جاده و نمایش موقعیت‌های بکر و بدیع لذت می‌برند.

نگاهی به دنباله‌های تلویزیون / موفق یا ناکام؟

اگر مروری به گذشته داشته باشیم بیش از یک دهه است که تلویزیون به سمت ساخت فصل‌های متعدد سریال‌هایش می‌رود. گاهی اوقات فصل دوم برخی سریال‌ها خوب درآمده اما در ادامه به مشکلاتی برخورد که نمونه بارز آن سریال‌های «پایتخت» و «دودکش» است.

به عنوان مثال محمدحسین لطیفی، «دودکش 1» را ساخت و بعدها «پادری» فصل دوم آن شد. او تمایلی به ادامه‌دار کردن سریال نداشت و معتقد بود ادامه‌ها خوب در نمی‌آید؛ همان نکته‌ای که بعدها خیلی از کارگردانان آن را مطرح کردند که اگر قرار است فلان سریال ادامه پیدا کند من نیستم.

اما در این میان سریال‌هایی نیز بوده‌اند که با نظر مدیران تلویزیون و دست‌اندرکارانش به فصل‌های دوم و سوم رسیده‌اند؛ مثلاً «بچه مهندس» که در سری چهارم بدون کارگردان اولیه‌اش ثابت کرد اگر روی آنتن نمی‌آمد شاید اعتبار و عقبه روایت‌های اولیه و مورد پسند مخاطب را از دست نمی‌داد. اما در این میان سریال‌هایی هستند که به حدی مورد استقبال قرار می‌گیرند که ساخت آنها برای فصل‌های بعدی هم در دستور کار قرار می‌گیرد.

این درحالی است که سال‌ها پیش از آن که «پایتخت» و «نون‌خ» برای فصل‌های متوالی ساخته شوند، سریال «زیر آسمان شهر» موفق شد قلب تماشاگران ایرانی را تسخیر کند. این سریال با روایت زندگی طبقه‌های گوناگون جامعه، موفق شد کمدی جذابی ارائه دهد و تنها انتشار فصل نخست آن کافی بود تا شبکه 3 برای ساخت فصل دوم آن موافقت کند.

با این حال فصل دوم سریال کیفیت پایین‌تری نسبت به فصل نخست داشت و تغییرات بسیاری را تجربه کرد. دگرگونی‌های سریال هم باعث نشد مهران غفوریان و همکارانش زیر آسمان شهر را فراموش کنند و سریال برای سومین فصل هم مقابل دوربین رفت.

اما فصل سوم با تغییرات بسیار بیشتری ساخته شد؛ تیم بازیگران سریال به صورت کامل تغییر کرد و به شکل ناامیدکنندهای سقوط کرد. اگرچه مهران غفوریان بعدها از تمایل و علاقه‌اش به ساخت چهارمین فصل سریال زیر آسمان شهر هم سخن گفت. ایده‌های که البته هرگز عملی نشد.

یکی از سریال‌های دیگر که در همان فصل اول به شدت مورد استقبال قرار گرفت، سریال «مرد هزار چهره» مهران مدیری بود. این سریال در نوروز 1387 از شبکه سه سیما پخش شد. به حدی در جمع کردن مخاطبان موفق بود که مهران مدیری تصمیم گرفت آن را برای فصل دوم هم جلوی دوربین‌های تلویزیونی ببرد. اما فصل دوم سریال که در نوروز 1388 پخش شد سقوط آزاد غم‌انگیزی را تجربه کرد.

همچنان که در سریال «در حاشیه» مهران مدیری هم می‌توان به این باور رسید. یا نویسندگان همان نویسنده‌های قبلی نبوده‌اند و یا کارگردان برای جذابیت بیشتر، عقبه سریال را در فصل نخست از بین می‌برد.

برخی از تهیه‌کنندگان مثل ایرج محمدی هم اعتقاد دارند سریال‌های در فصل‌های متعدد نمی‌توانند آن صلابت و مانایی قبل را داشته باشند. به همین دلیل او در فصل اول «دردسرهای عظیم» کنار این گروه بود و در ادامه حضور نداشت.

اما در ادامه روند نزولی و افت کیفیت در فصل‌های دوم و سوم سریال‌ها بیشتر خودش را نشان داد، وقتی که سریال «لیسانسه‌ها» به «فوق لیسانسه‌ها» رسید.

سریال بعدی که می‌توان در این بین به آن اشاره کرد، «دیوار به دیوار» پرماجراست. اگرچه در فصل نخست فوق‌العاده ظاهر شد اما در فصل دوم چندان موفق نبود. در شرایطی مشابه با سریال «زیر آسمان شهر»، در سریال «دیوار به دیوار» هم با خانواده‌هایی مواجه بودیم که همه آنها در کنار یکدیگر زندگی می‌کردند.

با این حال «دیوار به دیوار» هم مانند بیشتر سریال‌های ایرانی، پس از انتشار فصل دوم ثابت کرد کشش داستانی زیادی ندارد. در فصل دوم، امیرمهدی ژوله از سریال جدا شد و داستان هم افت محسوسی را تجربه کرد. این سریال هم از شبکه سه پخش شد.

معضلی به نام «سریال بدون پایان‌بندی» در شبکه نمایش خانگی

البته این افت کیفیت در ساخت مجموعه‌های چند فصله شبکه نمایش خانگی، بیشتر خودش را نشان داد. از سریال

«شهرزاد» تا «ساخت ایران»، «عاشقانه» و «زخم کاری» که فقط صرفاً برای پول درآوردن، سناریو را طوری طراحی می کنند تا پلتفرم پخش کننده و مخاطب، منتظر فصل های بعدی این سریال بمانند. همچنان که این موضوع در سریال هایی مثل «سیاوش» و «میدان سرخ» هم می توان به وضوح مشاهده کرد پایان بندی هایی که بیشتر کم فروشی عوامل و دست اندرکاران این آثار را نشان می دهد.

سریال دیگری که در شبکه نمایش خانگی پر حرف و حدیث شد، «دراکولا» مهران مدیری بود که در ادامه «هیولا» ساخته شد. مجموعه خانگی که بیشتر از محتوا، زرق و برق و سلبریتی داشت و نتوانست اهداف فسادستیزانه فصل اول که با حضور فرهاد اصلانی در نقش اول، بهتر پیش رفت و فصل دوم آشفتگی های بیشتری داشت.

ضربه ای که «پایتخت» خورد

یکی از مشکلات اساسی در این میان، تغییر نویسندگان و کارگردان بود که ماهیت بسیاری از سریال ها را تغییر داد. این تغییر نویسندگان و کارگردان، ماهیت بسیاری از سریال ها را تغییر داده است. در تلویزیون به «پایتخت» ضربه زد و در نمایش خانگی به «قلب یخی»!

«پایتخت» در همه 6 فصلی که ساخته شد، گام به گام در معرفی شخصیت هایش پیشروی کرده و کمدی متفاوتی را نشان داده است. شاید همین عامل باعث شد پایتخت پس از 6 فصل و چندین بار پخش مجدد هنوز هم تازه و سرگرم کننده باشد. فصلی که با محتوای دور شده از اهداف اصلی اش بسیار جنجال برانگیز شد؛ به گونه ای که اصلاً کاراکترها هویت شان را از دست دادند و بسیاری این موضوع را به دلیل درگذشت خشایار الوند نویسنده و فقدانش در این سریال و حتی تغییر رویه محسن تنابنده به عنوان طراح و سرپرست نویسندگان عنوان کردند.

آن اتفاقی که برای «پایتخت» افتاد و حتی این نگرانی برای خیلی از سریال های دیگر تلویزیون هم وجود دارد. شاید در این مسیر «زیرخاک» و «نون خ» توانستند طوری این مسیر را بروند که ماهیت و هویت اصلی محتوای سریال را از بین نبرند. ثابت بودن نویسندگان و کارگردان در این مسیر بسیار کمک کننده بوده است. زیرا بسیاری از فصل های دوم و سوم برخی از سریال ها به دلیل فقدان نویسندگان و کارگردان فصل نخست خود، مخاطب شان را از دست داده اند و از هویت اصلی سریال هم دور شده اند.

اما فصل پنجم «نون خ» و اتفاقات جدید

مجموعه تلویزیونی «نون‌خ» در فصل پنجم خود با آرایشی جدید و تصاویری رنگارنگ از آداب، رسوم و فرهنگ مردمان تلاشگر سیستان و بلوچستان به روی آنتن شبکه یک سیما رفته است. «نون‌خ» این بار داستان و فضای روایتی متفاوتی را در دستور کار خود قرار داده و به اقوام اصیل ایرانی در منطقه سیستان و بلوچستان نگاه ویژه‌ای داشته‌اند.

عوامل و دست‌اندرکاران سریال به نوعی خواسته‌اند که از دریچه دوربین این مجموعه به بخشی از آداب و رسوم و فرهنگ مردمان این منطقه پهناور مرزی کشورمان بپردازند، مسیر قصه خانواده «نورالدین خانزاده» که از تبار فرهنگ کرد سرزمین‌مان هستند به سمت دیار قوم بلوچ و سیستان تغییر پیدا می‌کند و این بار حرکت کاروان «خانزاده» از کرمان تا چابهار ادامه پیدا می‌کند تا تصاویر تلویزیونی ما به دورترین نقطه صفر مرزی هدایت شود.

هرچند که مجموعه تلویزیونی «نون‌خ» سعی دارد که با دیالوگ‌های طنز، خنده‌دار و سکانس‌های کمدی، فضای شاد و مفرحی را برای بیننده‌های تلویزیونی خود به وجود بیاورد اما جذابیت تصاویر بصری همراه با گفتارهای طنز بازیگران آن هم در حال و هوای فرهنگی ادبی و آداب و رسوم اقوام ایرانی به نوعی بیننده را به تأمل و اندیشیدن در بافت فرهنگ اصیل ایرانی و می‌دارد که به نظر می‌رسد مجموعه تلویزیونی «نون‌خ» تا اندازه زیادی توانسته به آن اهدافش که نمایش فرهنگ و آداب و رسوم اصیل ایرانی است، دست پیدا کند.

به نظر می‌رسد تا اینجای کار «نون‌خ» توانسته به عنوان یک مجموعه طنز فراگیر در بین مخاطبان و بیننده‌های تلویزیونی خودش را در صف مجموعه‌های محبوب جعبه جادو حفظ کند و شاید بتوان گفت اصلی‌ترین دلیل این موفقیت توجه سعید آقاخانی به اتفاقات بکر و دور شدن از کلیشه‌ها و تکرارهاست.

با توجه به سفارش رئیس صداوسیما برای ساخت فصل‌های بعدی این سریال و استقبال مخاطبان از «نون‌خ»، وظیفه عوامل این سریال برای ادامه تولید آن سنگین‌تر هم می‌شود و کار برای حفظ این برند و دستاورد هنری و فرهنگی، سخت‌تر هم خواهد شد.

انتهای پیام/

انتهای پیام/